

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۴۸۱

آیه ۵۵-۶۰

آیه و ترجمه

و يوم تقوم الساعة يقسم المجرمون ما لبثوا غير ساعة كذلك كانوا يؤفكون ۵۵
و قال الذين اءوتوا العلم و الايمان لقد لبثتم فى كتاب الله الى يوم البعث
فهذا يوم البعث و لكنكم كنتم لا تعلمون ۵۶
فيومئذ لا ينفع الذين ظلموا معذرتهم و لا هم يستعتبون ۵۷
و لقد ضربنا للناس فى هذا القرآن من كل مثل و لئن جئتهم باية ليقولن
الذين كفروا ان اءنتم الا مبطلون ۵۸
كذلك يطبع الله على قلوب الذين لا يعلمون ۵۹
فاصبر ان وعد الله حق و لا يستخفك الذين لا يقنون ۶۰

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۴۸۲

ترجمه :

۵۵ - و روزی که قیامت برپا شود گناهکاران سوگند یاد می کنند که
جز ساعتی (در عالم برزخ) درنگ نکردند! اینچنین آنها از درک حقیقت
محروم می شدند!
۵۶ - کسانی که علم و ایمان به آنها داده شده می گویند: شما به فرمان خدا تا
روز قیامت (در عالم برزخ) درنگ کردید، و اکنون روز رستاخیز است ولی شما
نمی دانستید!
۵۷ - آن روز عذر خواهی ظالمان سودی ندارد، و توبه آنان پذیرفته نمی شود.
۵۸ - ما برای مردم در این قرآن از هرگونه مثال و مطلبی بیان کردیم، و
اگر آیه ای برای آنها بیاوری کافران می گویند شما اهل باطل هستید (و
اینها سحر و جادو است)!
۵۹ - اینگونه خداوند بر دلهای کسانی که آگاهی ندارند مهر می نهد!
۶۰ - اکنون که چنین است صبر پیشه کن که وعده خدا حق است، و
هرگز کسانی که ایمان ندارند نباید تو را خشمگین سازند (و از جا تکان دهند).

تفسیر :

آن روز که عذر خواهی سودی ندارد! گفتیم در این سوره، بحثهای مربوط به مبدء و معاد همچون تار و پود یک پارچه انسجام یافته است، و در آیات مورد بحث به دنبال بحثهایی که قبل از آن پیرامون مبدء و معاد بود نیز باردیگر به مسأله رستاخیز باز می‌گردد و صحنه دردناک دیگری از حال مجرمان را در آن روز مجسم می‌سازد.

می‌گوید: «روزی که قیامت بر پا شود، مجرمان سوگند یاد می‌کنند که فقط ساعتی در عالم برزخ توقف داشتند!» (و یوم تقوم الساعة یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعة).

آری «آنها در گذشته نیز این چنین از درک حقیقت، محروم و مصروف می‌شدند!» (کذلک کانوا یؤفکون).

تعبیر به «ساعة» از روز قیامت، چنانکه سابقا هم اشاره کرده‌ایم، یا به خاطر آنست که قیامت در یک لحظه ناگهانی بر پا می‌شود، و یا از این جهت است

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۴۸۳

که به سرعت اعمال بندگان مورد حساب قرار می‌گیرد زیرا خداوند سریع الحساب است، و می‌دانیم «ساعة» در لغت عرب به معنی جزء کمی از زمان است.

گرچه در آیه فوق، سخن از محل این توقف به میان نیامده است و لذا بعضی احتمال داده‌اند که اشاره به توقف در دنیا باشد که در واقع لحظه زودگذری بیش نیست، ولی آیه بعد دلیل روشنی است بر اینکه منظور همان توقف در جهان برزخ و عالم بعد از مرگ و قبل از رستاخیز است، زیرا جمله لقد لبثتم فی کتاب الله الی یوم البعث پایان این دو را به قیامت منتهی می‌کند و این جز در مورد برزخ صحیح نیست (دقت کنید).

این را نیز می‌دانیم که «برزخ»، برای همه یکسان نمی‌باشد، گروهی در عالم برزخ حیات آگاهانه‌ای دارند، اما گروه دیگری همچون افرادی هستند که به خواب فرو می‌روند و گوئی در قیامت از خواب خود بیدار می‌شوند و هزاران را ساعتی می‌پندارند!

در اینجا دو مطلب باقی می‌ماند نخست اینکه چگونه مجرمان، چنین سوگند خلافی را یاد می‌کنند؟

پاسخ آن روشن است، آنها به راستی چنین می‌پندارند که دوران برزخ، دوران بسیار کوتاهی بوده است، چرا که حالتی شبیه خواب داشته‌اند، مگر اصحاب

کَهِف که افرادی مؤمن و صالح بودند، بعد از بیداری از خواب بسیار طولانی خود، تصور نکردند که یک روز یا بخشی از یک روز در خواب بوده‌اند، و یا یکی از پیامبران الهی که داستانش در سوره بقره آیه ۲۵۹ آمده‌است بعد از آنکه از دنیا رفت و پس از یکصد سال مجدداً به حیات بازگشت، اظهار نداشت که فاصله

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۴۸۴

میان دو زندگی یک روز یا بخشی از یک روز بوده است. چه مانعی دارد که مجرمان با توجه به حالت خاص برزخیشان، چنین تصویری از روی عدم آگاهی پیدا کنند؟

لذا در آیه بعد خواهد آمد که مؤمنان آگاه، به آنان می‌گویند اشتباه کردید، شما تا روز قیامت در عالم برزخ توقف نموده‌اید، و اکنون روز رستاخیز است!

و از اینجا مطلب دوم یعنی تفسیر جمله «کذلک کانوا یؤفکون» روشن می‌شود چرا که «افک» در اصل به معنی دگرگونی چهره واقعی و انصراف از حق است و این گروه به خاطر وضع خاصشان در برزخ از واقعیتها به دور مانده‌اند، و نمی‌توانند مقدار توقفشان را در برزخ تشخیص دهند. با توجه به آنچه گفتیم نیازی به بحثهای طولانی جمعی از مفسران که چرا مجرمان در روز قیامت عمداً دروغ می‌گویند؟ نمی‌بینیم، زیرا در آیه دلیلی بر دروغ عمدی آنها در این مرحله نیست. البته در آیات دیگر قرآن نمونه‌هایی از دروغ و کذب مجرمان در رستاخیز دیده می‌شود که پاسخ مشروح آن را قبلاً در جلد پنجم صفحه ۱۸۷ ذیل آیه ۲۳ سوره انعام داده‌ایم، ولی به هر حال این بحث، ارتباطی با موضوع بحث این آیات ندارد.

آیه بعد، پاسخ مؤمنان آگاه را به سخنان مجرمان ناآگاهی که از وضع برزخ و قیامت اطلاع درستی ندارند بازگو می‌کند.

می‌فرماید: «کسانی که علم و ایمان به آنها داده شده می‌گویند: شما به فرمان خدا تا روز قیامت در جهان برزخ درنگ کردید، و اکنون روز رستاخیز است، ولی شما نمی‌دانستید» (و قال الذین اوتوا العلم و الایمان لقد لبثتم فی

کتاب الله الی یوم البعث فهذا یوم البعث و لکنکم کنتم لا تعلمون).
مقدم داشتن «علم» بر «ایمان» به خاطر آنست که علم پایه ایمان است.
و تعبیر «فی کتاب الله» ممکن است اشاره به کتاب تکوینی باشد یا اشاره به کتب آسمانی، و یا هر دو، یعنی به فرمان تکوینی و تشریعی پروردگار، مقدر بود چنان مدتی را در برزخ بمانید و سپس در روز رستاخیز محشور شوید.
در اینکه منظور از «الذین اوتوا العلم و الایمان» چه کسانی می باشند؟ بعضی از مفسران آن را اشاره به فرشتگان الهی، که هم دارای علمند و هم صاحب ایمانند، دانسته اند، و جمعی دیگر اشاره به مؤمنان آگاه و معنی دوم ظاهرتر است.

و اینکه در بعضی از روایات تفسیر به فرزندان امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) شده است از قبیل بیان مصداقهای روشن است، و معنی گسترده آیه را محدود نمی کند.

این نکته نیز قابل ذکر است که بعضی از مفسران، گفتگوی این دو گروه را درباره برزخ که یکی آن را به مقدار ساعتی می پندارد و دیگری به مقدار واقعی آن آگاهی دارد ناشی از این می دانند که گروه اول چون انتظار عذاب الهی را می کشند مایلند هر چه بیشتر به تاخیر افتد، و فاصله ها را هر چند زیاد باشد ناچیز می شمارند، اما گروه دوم که انتظار بهشت و نعمتهای جاودانش را می کشند

این فاصله ها را بسیار زیاد می بینند.
به هر حال هنگامی که مجرمان خود را با واقعیات دردناک روز قیامت روبرو می بینند در مقام عذر خواهی و توبه بر می آیند، ولی قرآن می گوید:
«در آن روز عذر خواهی ظالمان سودی ندارد و توبه آنان نیز پذیرفته نیست» (فیومئذ لا ینفع الذین ظلموا معذرتهم و لا هم یمنعون).
این نکته قابل توجه است که در بعضی از آیات قرآن تصریح شده که اصلاً به مجرمان اجازه عذر خواهی داده نمی شود لا یؤذن لهم فیعتذرون (مرسلات- ۳۶) اما در اینجا می فرماید: عذر خواهی آنها سودمند نیست، و ظاهرش این است عذر خواهی می کنند اما اثری ندارد.

البتّه تضادی در میان این آیات نیست، زیرا قیامت مراحل مختلفی دارد در پاره‌های از مراحل اصلاً اجازه عذر خواهی و حرف زدن به آنها داده نمی‌شود و بر دهان آنها مهر می‌گذارند، تنها دست و پا و اعضا و جوارح وزمینی که گناه بر آن کرده‌اند بازگو کننده اعمالشان هستند، ولی در پاره‌های دیگر از مراحل زبانشان گشوده می‌شود و به عذر خواهی می‌پردازند، اما چه سود؟ یکی از اعدا آنها این است که گناهان خود را به گردن سرمدمداران کفر

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۴۸۷

و نفاق بیندازند، به آنها می‌گویند: «لو لا انتم لکنا مؤمنین»: «اگر شما نبودید ایمان می‌آوردیم» (سوره سبا آیه ۳۱).
ولی آنها در پاسخشان می‌گویند: انحن صد دناکم عن الهدی بعد از جائکم «آیا ما شما را از هدایت بازداشتیم بعد از آن که هدایت به سراغتان آمد و با چشم باز آن را می‌دیدید»؟! (سبا - ۳۲).
و گاه در مقام عذر خواهی سعی می‌کنند انحراف خود را به گردن شیطان بیندازند و او را بر وسوسه‌هایش ملامت کنند، ولی ابلیس به آنها پاسخ می‌گوید: فلا تلو مونی و لوموا انفسکم: «امروز مرا سرزنش نکنید، خود را سرزنش کنید»! (ابراهیم - ۲۲) من شما را اجبار بر کاری نکردم تنهادعوت دوستانهای کردم شما هم پذیرفتید!.
آیه بعد در حقیقت اشاره‌ای است به کل مطالبی که در این سوره بیان شدمی‌فرماید: «ما برای مردم در این قرآن از هر گونه مثالی بیان کردیم» (وعد و وعید، امر و نهی، بشارت و انداز، آیات آفاقی و انفسی، دلائل مبدء و معاد و اخبار غیبی، و خلاصه از هر چیز که در نفوس انسانها ممکن است اثر مثبت بگذارد بیانی داشتیم) (و لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل).
در حقیقت، قرآن بطور کلی، و سوره روم که اکنون در مراحل پایان آن هستیم بالخصوص مجموعه‌ای است از مسائل بیدار کننده برای هر قشر و گروه و برای هر طرز فکر و عقیده.
مجموعه‌ای است از درسهای عبرت، مسائل اخلاقی، برنامه‌های عملی، امور اعتقادی به گونه‌ای که از تمام طرق ممکن است برای نفوذ در فکر انسانها و دعوتشان به راه سعادت، استفاده شده است.
ولی با این حال گروهی هستند که هیچیک از این امور در قلوب تاریک

و سیاهشان اثری نمی‌گذارد، «لذا هر آیه و نشانه‌ای از حق، برای آنها بیاوری باز این گروه کافران می‌گویند: شما اهل باطل هستید، و اینها اموری است بی اساس»! (و لئن جئتهم بایة ليقولن الذین کفروا ان انتم الالمطلون). تعبیر به «مبطلون» تعبیر جامعی است که همه بر چسبها و نسبتهای ناروای مشرکان را در بر می‌گیرد، نسبت دروغ، سحر، جنون، افسانه‌های خرافی و اساطیر، که هر کدام چهره‌های از چهره‌های باطل می‌باشد در آن جمع است، آری آنها همواره پیامبران الهی را به یکی از این امور باطل متهم می‌ساختند، تا چند روزی مردم پاکدل را به وسیله آن اغفال کنند. مخاطب در «انتم» (شما) ممکن است پیامبر و مؤمنان راستین باشند، و ممکن است همه طرفداران حق و تمام انبیاء و پیشوایان الهی، چرا که این دسته از کفار لجوج با کل طرفداران این مکتب مخالف بودند. آیه بعد دلیل مخالفت این گروه را به روشنی بیان می‌کند، می‌گوید: این نفوذناپذیری و لجاجت بی حد و حساب و دشمنی با هر حقیقت، به خاطر آنست که آنها حس تشخیص و درک خود را بر اثر کثرت گناه و لجاجت از دست داده‌اند، و ابدا چیزی درک نمی‌کنند، آری «این چنین خداوند بر دل‌های کسانی که علم و آگاهی ندارند مهر می‌نهد» (کذلک یطبع الله علی قلوب الذین لا یعلمون).

«یطبع» از ماده «طبع» به معنی مهر نهادن است، و اشاره به کاری است که در سابق و امروز معمول بوده و هست که گاهی برای اینکه چیزی دست نخورده بماند و در آن مطلقاً دخل و تصرفی نشود، در آن را محکم می‌بندند، و روی قفل یا گرهی که به آن زده‌اند، ماده خمیرمانندی گذارده و روی آن مهر می‌زنند، بدیهی است گشودن در آن جز با شکستن مهر ممکن نیست، و این کاری است که به زودی افشا می‌شود.

قرآن این تعبیر گویا را به عنوان کنایه از دل‌های نفوذناپذیر و کسانی که وجدان و آگاهی و عقل سالم را به کلی از دست داده‌اند و امیدی به هدایتشان نیست، به کار می‌برد. قابل توجه اینکه در آیات گذشته، علم پایه ایمان شناخته شده، و در این

آیه جهل پایه کفر و عدم تسلیم در برابر حق آخرین آیه مورد بحث که آخرین آیه سوره روم است، دو دستور مهم و یک بشارت بزرگ به پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می دهد، تا او را در این مبارزه پیگیر و مستمردر برابر این لجوجان جاهل، و بیخردان سرسخت، به استقامت دعوت کند.

نخست می گوید: «اکنون که چنین است در برابر همه حوادث، همه آزارها و کارشکنیها و نسبتهای ناروا، شکیبائی و صبر پیشه کن» (فاصبر). که شکیبائی و صبر و استقامت کلید اصلی پیروزی است. و برای اینکه پیامبر را در این راه دلگرمتر کند می افزاید: «وعدۀ خدا بطور مسلم حق است» (ان وعد الله حق). او به تو و مؤمنان وعدۀ پیروزی، و خلافت در ارض، و غلبۀ اسلام بر کفر، و نور بر ظلمت، و علم بر جهل، داده است، و به این وعدۀ، جامه عمل می پوشاند. کلمه «وعد» در اینجا اشاره به وعدۀهای مکرری است که در قرآن درمورد پیروزی مؤمنان داده شده است، از جمله در همین سوره آیه ۴۷ می خوانیم و کان حقا علينا نصر المؤمنين: «همواره یاری مؤمنان حقی بر ما بوده و هست». و در آیه ۵۱ سوره غافر آمده است: انا لنصر رسلنا والذین آمنوا فی الحیاة الدنیا و یوم یقوم الاشهداد: «ما رسولان خود و مؤمنان را در زندگی این دنیا و در روز قیامت که گواهان بپا می خیزند یاری می کنیم».

تفسیر نمونه جلد ۱۶ صفحه ۴۹۰

و نیز آیه ۵۶ سوره مائده می گوید: فان حزب الله هم الغالبون: «حزب خدا پیروز است».

دومین دستور، دستور به تسلط بر اعصاب و حفظ متانت و آرامش، و به اصطلاح از جا در نرفتن در این مبارزه سخت و پیگیر است، می فرماید: «هرگز نباید کسانی که ایمان ندارند تو را خشمگین و عصبانی کنند» (ولا یستخفنک الذین لا یوقنون).

وظیفه تو بردباری و تحمل و حوصله هر چه بیشتر و حفظ متانتی که شایسته یک رهبر در برابر اینگونه افراد است، می باشد.

«لایستخفنک» از ماده «خفت» به معنی سبکی است، یعنی آنچنان سنگین و پابر جا باش که این افراد نتوانند تو را سبک بشمرند و از جا تکان دهند، در مسیرت استوار و محکم بایست، چرا که آنها یقین ندارند و

تو کانون یقین و ایمانی.

این سوره با وعده پیروزی مؤمنان بر دشمنان آغاز شد، و با وعده پیروزی نیز پایان می‌گیرد، ولی شرط اصلی آن در صبر و استقامت شمرده‌است. پروردگارا! آنچنان صبر و استقامتی به ما مرحمت کن که طوفانهای مشکلات و حوادث سخت، هرگز ما را از جا تکان ندهد. خداوند! به ذات پاکت پناه می‌بریم، از اینکه در زمره کسانی باشیم که موعظه‌ها و اندرزها، عبرتها و اندازها در دل‌هایشان اثر نمی‌گذارد. بارالها! دشمنان متشکل و متحدند، و با انواع سلاحهای شیطانی مسلح، ما پیروزی بر دشمنان برونی و شیطان درونی را از تو می‌طلبیم آمین یا رب العالمین.

قبل

افرت